

مقایسه متغیرهای آزمون رورشاخ در نمونه غیربالینی ایرانی  
با غیرایرانی بر اساس نظام جامع اکسندر

The Comparison of Rorschach Test Variables in Iranian and Non-Iranian  
Non-clinical Sample Based on the Exner's Comprehensive System

Nasim Kashefi  
MA in Clinical Psychology

Mohammad Reza Shairi, PhD  
Shahed University

محمد رضا شعیری  
دانشیار دانشگاه شاهد

نسیم کاشفی  
کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی

Mohammad Ali A. Moghaddam, PhD  
Shahed University

محمد علی اصغری مقدم  
استاد دانشگاه شاهد

چکیده

هدف از تحقیق حاضر بررسی نتایج نمونه‌های غیربالینی ۱۰ ساله ایرانی در لوح‌های رورشاخ و مقایسه نتایج مذکور با یافته‌های نمونه غیربالینی و غیرایرانی (اکسندر، ۲۰۰۳) در سنین مشابه بود. بدین منظور تعداد ۱۷۰ کودک ۱۰ ساله (۸۰ دختر و ۹۰ پسر) که در پایه چهارم ابتدایی مشغول به تحصیل بودند، از ۵ منطقه شهر تهران به عنوان نمونه انتخاب شدند و آزمون رورشاخ در مورد آنها اجرا شد. مقایسه میانگین‌های دو گروه ۱۰ ساله ایرانی و اکسندر (۲۰۰۳) نشان داد که تفاوت دو گروه در برخی از متغیرهای گستره، تعیین‌کننده، محتوا و پاسخ‌های رایج، معنادار است. با در نظر گرفتن این مسئله که آزمون‌های فرافکنی به اندازه آزمون‌های عینی نسبت به تأثیرهای فرهنگی حساس هستند، نتایج به دست آمده را می‌توان ناشی از تفاوت‌های فرهنگی به شمار آورد.

واژه‌های کلیدی: آزمون رورشاخ، نظام جامع رورشاخ، دانش‌آموزان ایرانی، اکسندر

Abstract

The results of 10 year-old non-clinical Iranian samples in Rorschach test were compared with the ones of their non Iranian counterparts (Exner, 2003). In doing so, one hundred and seventy fourth grade students (80 girls and 90 boys) from five education districts of the city of Tehran participated in the study and the Rorschach test was administered to them. Mean scores comparison in two groups of Iranian and Exner samples showed significant differences in variables of location, determinant, content and popular variables. Considering the culture related factors affecting objective and projective tests similarly, these results could be attributed to cultural differences.

**Keywords:** Rorschach test, Rorschach comprehensive system, Iranian elementary students, Exner

received: 10 October 2012

accepted: 27 April 2013

Contact information: [nkashefi@live.com](mailto:nkashefi@live.com)

دریافت: ۹۱/۷/۱۸

پذیرش: ۹۲/۲/۷

این مقاله برگرفته از پایان نامه دکتری است.

## مقدمه

رورشاخ پی‌گیرد (وینر، ۲۰۰۱).

از دیدگاه فرهنگی، عقیده بر این است که روش‌های فرافکن از شخص، ادراک غنی‌تر و منصفانه‌تری در درون بافت فرهنگی‌اش ارائه می‌دهد. توانایی برای دستیابی به تفاوت‌های فرهنگی در چنین روش‌هایی اهمیت آنها را در مطالعات بین‌فرهنگی افزایش می‌دهد (دانا، ۱۹۹۸).

تحقیقات در پاسخ به این پرسش که متغیرهای فرهنگی چگونه می‌توانند بر نمره‌ها تأثیر بگذارند، به این نتیجه رسیده‌اند که طرحواره‌های شناختی<sup>۱</sup>، نمونه‌ای از دیدهای فرهنگی هستند که اطلاعات و تجربیات افراد را فیلتر می‌کنند و خاص یک فرهنگ مشخص‌اند. آنها با روش‌هایی که در پردازش اطلاعات دخیل هستند، ارتباط دارند. بنابراین طرحواره‌ها به ما در ادراک خود و دیگران کمک می‌کنند. در بسیاری از روش‌ها، نتایج آزمون یک فرد، طرحواره شناختی او را بیان می‌کند (کولار، ۱۹۹۸).

رفتار انسان‌ها به میزان زیادی متناسب با فرهنگی است که در آن تربیت یافته و به آن تعلق دارند. شخصیت فرد بر اثر جریان فرهنگی شدن و درونی‌سازی عناصر فرهنگی سامان می‌یابد. به همین دلیل انسان‌ها در فرهنگ‌های مختلف، خودهای متفاوتی بروز می‌دهند (ماکوز و کیتایاما، ۱۹۹۱). این مبنا می‌تواند در فرایندهایی چون شناخت، هیجان و انگیزش تأثیر گذارد.

تریاندیس (۲۰۰۱) بیان می‌کند تفرد از تجمع و اجتماع کسب می‌شود و اجتماع نیز مطابقت و همانندسازی با دیگران را شکل می‌دهد. ماکوز و کیتایاما (۱۹۹۱) نشان داده‌اند فرهنگ اروپایی و غربی، هویت فردی را در جهت فردیت‌گرایی و فرهنگ آسیایی و شرقی و نیز آمریکای جنوبی، فرد را به سوی تعلق به گروه سوق می‌دهند. مطالعات انجام‌گرفته بر اساس الگوی فرهنگی جمع‌گرایی-فردگرایی<sup>۲</sup> نشان داده‌اند در کشورهای آسیایی که فرهنگ جمع‌گرایی بیشتر دیده می‌شود افراد عمیقاً به گروه و اجتماع تعلق خاطر دارند و رفتار فرد با قوانین، ارزش‌ها و سنت‌های گروه محک می‌خورد، خودپنداشت<sup>۳</sup> و حرمت‌خود<sup>۴</sup> به این معناست که دیگران درباره فرد چه فکری می‌کنند، درحالی‌که چنین معنایی در کشورهای غربی که فرهنگ فردگرایی بیشتر

پیدایش فنون فرافکن از نظر تکامل و پیشرفت روان‌شناسی تابع دو تمایل بزرگ است: روان‌تحلیلگری و روان‌شناسی گشتالت. اغلب آزمون‌های فرافکنی زابیده فکر دانشمندانی هستند که با روان‌تحلیلگری آشنا بوده و اشتغالات بالینی داشته‌اند. فروید نخستین کاربرد بالینی اصطلاح فرافکنی را در سال ۱۸۹۶ مطرح کرد. او بعدها به مفهوم فرافکنی وسعت بخشید و جنبه بهنجار آن را نیز مورد توجه قرار داد. وسعتی که جوانه‌های روش‌های فرافکنی در آن نهفته است (منصور، ۱۳۸۷). از بین مجموعه آزمون‌هایی که به بررسی شخصیت اختصاص دارند بدون شک آزمون‌های فرافکن بالینی‌ترین آنها هستند (پرون<sup>۱</sup> و پرون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲/۱۳۸۱؛ منصور، ۱۳۸۷). شخص در این آزمون‌ها شخصیت خود را بدون تغییر، در جریان رفتاری که قابل مطالعه است برون می‌ریزد (منصور، ۱۳۸۷).

در میان آزمون‌های فرافکن شخصیت، آزمون رورشاخ<sup>۳</sup>، رایج‌ترین آنها در زمینه بالینی است، این آزمون در طول زمان باقی مانده است، زیرا در صورت اجرا، نمره‌گذاری و تفسیر صحیح، می‌تواند اطلاعات قابل توجهی را درباره خصوصیات روان‌شناختی یک فرد ارائه دهد (اکسندر، ۲۰۰۳). رورشاخ<sup>۴</sup> روان‌پزشک سوئیسی، هنگامی که دریافت می‌توان از ادراک لکه‌های جوهر برای تشخیص روان‌پزشکی افتراقی استفاده کرد، این روش را جهت حل مسائل نظری به کار برد (لانیون<sup>۵</sup> و گوداشتاین<sup>۶</sup>، ۱۳۸۲/۱۹۹۲). فرض اصلی رورشاخ این است که محرک‌های محیطی به وسیله نیازها، انگیزه‌ها، تعارض‌ها و آمایه ادراکی<sup>۷</sup> شخص سازمان داده می‌شوند. این نیاز به سازمان دادن، هنگامی که آزمودنی‌ها با محرک‌های مبهم مانند لکه‌های جوهر روبه‌رو می‌شوند، اغراق‌آمیزتر، گسترده‌تر و بارزتر است. در طول قرن بیستم روی‌آوردهای متمایزی در نمره‌گذاری و اجرای رورشاخ گسترش یافته است. اما ضرورت نزدیک شدن به نظامی که جنبه‌های عینی‌تری را برای رورشاخ طراحی کرده باشد، در تاریخ ابزارهای روان‌شناسی احساس می‌شود. این ضرورت باعث طراحی نظام جامع<sup>۸</sup> شد که جزء نخستین مواردی است که کوشیده جنبه‌های عینی و عملی را در اجرا، نمره‌گذاری و تفسیر

1. Perron, R.  
2. Perron, M.  
3. Rorschach Test

4. Rorschach, H.  
5. Lanyon, R. I.  
6. Goodstein, L. D.

7. perceptual set  
8. comprehensive system  
9. cognitive schemas

10. individualism-collectivism  
11. self-concept  
12. self-esteem

شافر، ۲۰۰۷؛ سیلوا و دیاس، ۲۰۰۷؛ والتینو، شافر، اردبرگ و فیگوئرا، ۲۰۰۷؛ سانچز، لوتنبرگ و یازی گی، ۲۰۱۲؛ تین، روتشیلد و اپل، ۲۰۱۲). اما در ایران پژوهش‌ها بیشتر در مورد بزرگسالان صورت گرفته است (یونسی، ۱۳۷۰؛ حبی، ۱۳۷۲؛ مختارزاده، ۱۳۷۴؛ پیغمبری، ۱۳۸۴؛ رحمانی، ۱۳۸۳، ۱۳۸۵؛ رحمانی و صالحی، ۱۳۸۶) و تنها بررسی‌های موجود در گستره کودکی و نوجوانی، متعلق به پژوهش شعیری (۱۳۸۲)، شعیری، منصور، دادستان و اژه‌ای (۱۳۷۹) و دلاوری (۱۳۸۸) است.

شعیری و دیگران (۱۳۷۹) در بررسی خود به واری مقایسه‌ای نمره Z آزمون رورشاخ در آزمودنی‌های سطوح عینی و انتزاعی پرداختند. نتایج به دست آمده نشان دادند بین متغیرهای ZSum و Zf در آزمودنی‌های سطوح عینی و انتزاعی تفاوت معنادار وجود داشت. درحالی‌که در متغیرهای Zd چنین تفاوت معناداری دیده نشد. دلاوری (۱۳۸۸) نیز نتایج نمونه غیربالینی ۹ ساله ایرانی را در پاسخدهی به آزمون رورشاخ بررسی کرد و به مقایسه آن با نمونه اکسندر پرداخت. نتایج پژوهش وی نشان دادند که تفاوت دو گروه ایرانی و نمونه اکسندر در متغیرهای: R، FC، C، (2)، A، (Ad)، CF، m، FM، M، S، Dd، W، Sc، Ge، Fi، Cg، Ay، An، Ma، a(active)، F، FD، Fr+rF، SumV، SumT، SumC، Bt، Art، Ad، Hx، (Hd)، Hd، H، Pop، Blends، Mp، Ex معنادار است.

با توجه به اینکه استفاده از رورشاخ وابسته به نتایج منطقه‌ای و بومی است و پژوهش‌های مربوط به سنین کودکی محدودتر از بزرگسالی است، بررسی در این گستره می‌تواند راهگشا باشد. بنابراین با توجه به نقش فرهنگ، سن و جنس در نتایج آزمون رورشاخ (اکسندر، ۲۰۰۳)، پژوهش حاضر به بررسی نتایج نمونه‌های غیربالینی ۱۰ ساله ایرانی در لوح‌های مختلف رورشاخ و مقایسه این نتایج با یافته‌های نمونه‌های غیربالینی و غیرایرانی در آزمون رورشاخ با سنین مشابه اختصاص یافته است.

## روش

پژوهش حاضر از نوع علی-مقایسه‌ای است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر ۱۰ ساله پایه چهارم ابتدایی سال تحصیلی ۹۰-۸۹ تهران بود. از این جامعه ۱۷۰

مشاهده می‌شود، کمتر رایج است و توجه به نیازها، احساس‌ها، هیجان‌ها و علایق فردی اهمیت بیشتری دارد (هافتسد، ۱۹۸۱؛ تریاندیس، ۲۰۰۱).

یکی از مشکلات عمده که در اکثر ابزارهای فرافکن دیده می‌شود نارسایی داده‌های هنجاری است. در مورد آزمون‌های فرافکن یا چنین داده‌هایی اصلاً وجود ندارند یا ناکافی هستند و یا از جامعه‌های نامشخصی به دست آمده‌اند (آناستازی<sup>۱</sup>، ۱۹۵۵/۱۳۷۹). بنابراین استفاده از آزمون‌های روان‌شناختی در کشورها و فرهنگ‌های دیگر، به غیر از کشور اصلی آن آزمون، مشکل هنجارهای فرهنگی را مطرح می‌سازد. شواهد نشان می‌دهند آزمون‌های فرافکن نسبت به تأثیرهای فرهنگی حساس هستند. به عنوان مثال، محققان دریافتند در بین متغیرهای رورشاخ، پاسخ‌های رنگ و شاخص‌هایی که تحت تأثیر پاسخ‌های رنگ قرار می‌گیرند نسبت به فرهنگ حساس هستند (کاستانتینو، فلانگان و مالگادی، ۱۹۹۵).

از سوی دیگر، یافته‌های پژوهشی بیان می‌کنند ارزش‌های موجود در جامعه ممکن است در نحوه پاسخدهی به آزمون رورشاخ نقش داشته باشند. این پدیده به ویژه در فرهنگ‌های غیرغربی مانند فرهنگ‌های آسیایی و خاورمیانه که افراد جهت‌گیری اجتماعی بیشتری دارند و برای تأیید گروهی ارزش قائل هستند، بیشتر یافت می‌شود (یانگ، ۱۹۸۱).

در طول تحول نظام جامع، اکسندر برای ۱۳۹۰ کودک و نوجوان غیربیمار جدول‌های هنجاری ارائه داده است. این جدول‌های هنجاری زمینه تفسیر آزمون رورشاخ را برای هر فرد فراهم می‌کند (اکسندر، ۲۰۰۳). گسترش نظام اکسندر و تکیه این نظام بر وجود هنجارهای لازم و پاسخ‌های سنین مختلف به لکه‌ها برای تفسیر، موجب شده تا در فرهنگ‌ها و کشورهای متعدد، تحقیق در این زمینه، از سنین کودکی تا بزرگسالی گسترش یابد. مطالعات اخیر که نمایانگر توجه بدین امر در کشورهای دیگر و سنین مختلف است، با تکیه بر نظام جامع اکسندر انجام شده و به مقایسه نتایج به دست آمده با دیگر نتایج منجر شده است. این تحقیقات در مورد کودکان سنین ۶ تا ۱۲ سال انجام گرفته و زمینه مقایسه نتایج را با یکدیگر فراهم ساخته است (هانسن، ۲۰۰۷؛ سالکونی، لیز، پارولین و مازشی، ۲۰۰۷؛ ماتسوموتو، سوزوکی، شیرای و ناکابایاشی، ۲۰۰۷؛ هامل و

۱۳۸۴). اکسرن هنگام تدوین نظام جامع خود برای تدوین طبقه‌های مختلف نمره‌گذاری، به اعتبار آنها توجه خاصی مبذول داشت. هیچ طبقه‌ای در نظام او گنجانیده نمی‌شود مگر اینکه ضریب اعتبار نمره‌گذاری آن به وسیله ارزیاب‌های مختلف دست‌کم به ۰/۸۵ برسد. اکسرن در مورد کودکان توضیح می‌دهد که بازآزمایی کوتاه‌مدت در فواصل هفت روز برای هشت ساله‌ها و سه هفته برای ۹ ساله‌ها واقعاً سطح قابل قبولی از اعتبار را نشان می‌دهد. همانند بزرگسالان در اینجا نیز نسبت‌ها و درصدها از اعتبار نسبتاً بالایی برخوردار بودند (گراث‌مارنات، ۱۳۸۶/۲۰۰۳؛ اکسرن، ۲۰۰۳).

در این تحقیق شاخص‌هایی مانند میانگین و انحراف استاندارد برای همه متغیرهای مورد بررسی مبتنی بر نظام اکسرن (۱۹۹۵، ۲۰۰۳) به دست آمد و برای مقایسه نتایج آزمودنی‌های ایرانی و غیرایرانی از آزمون مقایسه میانگین‌ها برای گروه‌های مستقل استفاده شده است.

### یافته‌ها

در جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای رورشاخ و مقادیر آزمون  $t$  در نمونه‌های ۱۰ ساله ایرانی و نمونه ۱۰ ساله اکسرن (۲۰۰۳) منعکس شده است. مقایسه میانگین‌های دو گروه ۱۰ ساله ایرانی و نمونه اکسرن در جدول ۱ نشان می‌دهند که تفاوت دو گروه در متغیرهای: SumY, FD, (Ad), Bt, Cg, Ex, R, W, D, Dd, S, M, و در متغیرهای R, W, D, Dd, S, M, FM, FC, CF, C, SumT, Fr+rF, F, (2), a(active), p(passive), Ma, Mp, Blends, Pop, H, Hd, (Hd), و Hx, A, (A), Ad, An, Art, Ay, Bl, Fd, Fi, Na, Sc در سطح آلفای ۰/۰۱ معنادار است. این یافته‌ها نشان می‌دهند میانگین نمونه ایرانی در متغیرهای R, D, Dd, S, C, F, Hd, Hx, A, Ad, (Ad), An, Art, Ay, Ge, Na W, M, FM, و در متغیرهای: Id بالاتر از نمونه اکسرن و در متغیرهای: FC, CF, SumT, SumY, Fr+rF, Fd, (2), a(active), p(passive), Ma, Mp, H, (Hd), (A), Bl, Bt, Cg, Ex, Fd, Fi, Sc, Pop و Blends پایین‌تر از نمونه اکسرن است.

دانش‌آموز دختر و پسر ۱۰ ساله (۸۰ دختر و ۹۰ پسر) به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. شیوه نمونه‌برداری خوشه‌ای مرحله‌ای بود. بر این اساس ابتدا از بین مناطق واقع در مرکز، شمال، جنوب، شرق و غرب شهر تهران، یک منطقه، سپس در هر منطقه پنج مدرسه دخترانه و پنج مدرسه پسرانه و از هر مدرسه حداقل سه دانش‌آموز به تصادف انتخاب شدند. در مجموع ۱۸۷ دانش‌آموز مورد بررسی قرار گرفتند که با توجه به افت آزمودنی و پروتکل‌های ناقص، تحلیل نهایی نتایج در مورد ۱۷۰ آزمودنی انجام شد.

آزمون رورشاخ آزمونی متشکل از ۱۰ لکه جوهر به اشکال متقارن در ابعاد ۵×۹ اینچ است. پنج کارت سیاه و سفید (کارت‌های I، II، III، IV، V، VI، VII)، دو کارت سیاه و سفید با قسمت‌های قرمز رنگ (II، III)، دو کارت با ترکیبی از رنگ‌های صورتی، سبز و نارنجی (VIII، IX) و کارت دیگر ترکیبی از رنگ‌های آبی، زرد، سبز و صورتی (X) است (رورشاخ، ۱۹۲۱ نقل از دلاوری، ۱۳۸۸).

به رغم وجود نظام‌های متعدد نمره‌گذاری آزمون رورشاخ، در این تحقیق مبنای اجرا و نمره‌گذاری پاسخ‌های آزمودنی‌ها نظام جامع اکسرن (۱۹۹۵، ۲۰۰۳) است. بر اساس نظام اکسرن لوح‌ها به ترتیب و در جهت معینی به آزمودنی داده می‌شوند و از او پرسیده می‌شود این چه ممکن است باشد؟ سپس در مرحله واریسی، محل و ویژگی‌های خاص لکه که برانگیزاننده پاسخ‌های آزمودنی بوده است، مشخص می‌شود. پاسخ‌ها برحسب سه مقوله کلی نمره‌گذاری می‌شوند. الف) گستره<sup>۱</sup>: به فضایی از لکه جوهر گفته می‌شود که برای تداعی پاسخ مورد استفاده قرار گرفته است. محل ادراک ممکن است استفاده از تمامی لکه تا استفاده از یک جز غیرمعمول را شامل شود، ب) تعیین‌کننده‌ها<sup>۲</sup>: به سبک یا مشخصه لکه اطلاق می‌شود که آزمودنی به آن پاسخ می‌دهد؛ مانند شکل، رنگ یا بافت، ج) محتوا<sup>۳</sup>: نمره‌گذاری محتوا مبتنی بر نوع و مقدار اشیاء خاصی که آزمودنی‌ها در پاسخ‌هایشان ادراک می‌کنند، است؛ مانند انسان، حیوان، گیاه، هنر، خون، طبیعت (گراث‌مارنات<sup>۴</sup>، ۱۳۸۶/۲۰۰۳؛ منصور، ۱۳۸۷). پارکر<sup>۵</sup> با استفاده از روش فراتحلیل به این نتیجه رسید که ضرایب اعتبار رورشاخ بین ۰/۸۰ تا ۰/۸۶ است (پاشاشریفی، ۱۳۸۴؛ گراث‌مارنات، ۱۳۸۶/۲۰۰۳). همچنین در یک بررسی با استفاده از روش کودر-ریچاردسون ضریب اعتبار آزمون بین ۰/۸۸- تا ۰/۵۵ با متوسط ۰/۷۷ گزارش شده است (پاشاشریفی،

1. location

2. determinants

3. content

4. Groth-Marnat, G.

5. Parker, K.

جدول ۱

مقایسه میانگین‌های نمونه‌های ۱۰ ساله ایرانی و اکسندر (۲۰۰۳) در متغیرهای رورشاخ

متغیرها	اکسندر (n=۱۲۰)		ایرانی (n=۱۷۰)		t
	SD	M	SD	M	
R	۱/۹۲	۲۰/۹۷	۸/۹۹	۲۸	۸/۴۳**
W	۰/۸۷	۹/۵۲	۳/۵۸	۵/۱۰	-۱۲/۴۴**
D	۱/۴۸	۱۰/۱۰	۵/۹۳	۱۴/۴۷	۷/۹۰**
Dd	۰/۴۴	۱/۳۵	۵/۷۹	۸/۴۲	۱۳/۳۳**
S	۰/۷۰	۱/۴۸	۲/۱۴	۲/۴۲	۴/۶۴**
M	۱/۶۳	۳/۶۵	۱/۶۹	۱/۴۰	-۱۱/۳۳**
FM	۱/۴۶	۵/۵۳	۲/۵۵	۲/۷۳	-۱۰/۸۴**
m	۰/۲۸	۱/۰۸	۱/۳۴	۱/۰۶	-۰/۱۶
FC	۰/۹۶	۲/۵۵	۱/۲۴	۱/۰۵	-۱۱/۱۱**
CF	۱/۲۹	۳/۶۸	۰/۹۰	۰/۶۶	-۲۳/۴۹**
C	۰/۳۴	۰/۱۳	۰/۹۸	۰/۷۱	۶/۲۲**
SumC'	۰/۸۵	۰/۷۹	۱/۲۹	۰/۹۹	۱/۴۹
SumT	۰/۳۹	۰/۹۸	۰/۴۰	۰/۱۴	-۱۷/۸۰**
SumV	۰/۱۳	۰/۰۲	۰/۱۵	۰/۰۲	۰/۰۰
SumY	۰/۶۵	۰/۴۳	۰/۷۱	۰/۲۶	-۲/۰۸*
Fr+ rF	۰/۳۶	۰/۳۵	۰/۵۱	۰/۱۴	-۳/۸۸**
FD	۰/۵۸	۰/۶۷	۰/۸۶	۰/۴۲	-۲/۷۷*
F	۲/۰۴	۶/۳۸	۷/۹۰	۱۹/۹۰	۱۸/۲۹**
(2)	۱/۳۶	۹/۶۲	۵/۴۰	۷/۸۰	-۳/۶۱**
a(active)	۱/۳۷	۷/۱۵	۲/۹۳	۳/۲۱	-۱۳/۷۱**
p(passive)	۰/۶۶	۳/۲۷	۱/۸۱	۲	-۷/۳۵**
Ma	۱/۰۹	۲/۸۲	۱/۳۴	۰/۹۵	-۱۲/۶۲**
Mp	۰/۸۳	۰/۹۸	۰/۷۰	۰/۴۵	-۵/۸۸**
Blends	۱/۰۵	۵/۸۰	۱/۹۸	۱/۵۶	-۲۱/۴۲**
Popular	۰/۸۴	۶/۰۷	۱/۴۵	۳/۱۹	-۱۹/۵۶**
H	۱/۱۲	۲/۴۷	۱/۴۴	۱/۳۵	-۷/۱۲**
(H)	۰/۷۴	۱/۴۸	۱/۳۹	۱/۳۳	-۱/۰۸
Hd	۰/۴۷	۰/۲۵	۱/۷۵	۱/۳۰	۶/۴۱**
(Hd)	۰/۳۶	۰/۸۵	۰/۷۶	۰/۳۸	-۶/۲۹**
Hx	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۸۴	۰/۳۱	۴/۰۴**
A	۱/۱۸	۸/۹۲	۴/۷۴	۱۱/۱۳	۵/۰۰**
(A)	۰/۷۷	۱/۲۰	۱/۲۴	۰/۶۷	-۴/۱۵**
Ad	۱/۰۸	۱/۳۵	۳/۷۶	۳/۵۱	۶/۱۱**
(Ad)	۰/۲۵	۰/۰۷	۰/۳۶	۰/۱۵	۲/۱۰*
An	۰/۵۷	۰/۶۷	۱/۴۶	۱/۱۵	۳/۴۲**
Art	۰/۵۶	۰/۵۳	۱/۴۲	۱/۲۱	۴/۹۸**
Ay	۰/۰۰	۰/۰۰	۱/۱۷	۰/۴۷	۴/۴۰**
Bl	۰/۵۹	۰/۶۰	۰/۶۹	۰/۳۲	-۳/۶۱**
Bt	۰/۷۴	۲/۱۷	۱/۷۰	۱/۸۰	-۲/۲۴*
Cg	۱/۰۳	۱/۴۸	۱/۳۳	۱/۰۴	-۳/۰۴*
Cl	۰/۲۸	۰/۰۸	۰/۳۵	۰/۱۴	۱/۵۶
Ex	۰/۲۸	۰/۰۸	۰/۱۳	۰/۰۱	-۲/۸۵*
Fd	۰/۵۰	۰/۵۳	۰/۴۹	۰/۱۷	-۶/۱۱**

ادامه جدول ۱

متغیرها	ایرانی (n=۱۷۰)		اکسندر (n=۱۲۰)		t
	SD	M	SD	M	
Fi	۰/۴۷	۰/۷۵	۰/۷۸	۰/۴۴	-۳/۵۵**
Ge	۰/۰۸	۰/۰۰	۰/۳۴	۰/۰۰	۲/۵۸*
Hh	۰/۶۰	۰/۶۰	۱/۱۰	۰/۴۹	۰/۰۰
Ls	۰/۸۵	۱	۱/۳۱	۰/۴۵	-۱/۲۰
Na	۱/۲۹	۰/۳۰	۱/۷۵	۰/۴۶	-۶/۰۵**
Sc	۱/۱۶	۲/۸۵	۱/۴۱	۰/۴۰	-۱۲/۷۷**
Sx	۰/۰۵	۰/۰۰	۰/۰۷	۰/۰۰	۰/۷۸
Xy	۰/۰۳	۰/۰۰	۰/۲۸	۰/۰۰	۱/۱۷
Id	۱/۰۱	۰/۰۸	۱/۱۵	۰/۲۸	۸/۶۳**

\*\* P &lt; ۰/۰۱ \* P &lt; ۰/۰۵

## بحث

ارتباط نزدیک‌تر، میزان پاسخ‌ها را افزایش داده باشد اما نباید بدین فرض هم بی‌توجه بود که شاید واقعیت پاسخ‌های کودکان ۱۰ ساله ایرانی به لوح‌های رورشاخ، وجود تعداد پاسخ‌های بیشتر نسبت به نمونه اکسندر (۲۰۰۳) باشد. افزایش تعداد پاسخ‌ها، احتمالاً تعداد پاسخ‌های D را در مقایسه با سایر محل‌های ادراک افزایش می‌دهد. در نمونه ایرانی نیز تعداد پاسخ‌های D نسبت به سایر محل‌های ادراک بالاتر است. نتایج به دست‌آمده در مورد متغیر D نشان می‌دهد نه تنها در نمونه ایرانی نیز تعداد پاسخ‌های D نسبت به سایر محل‌های ادراک بالاتر است بلکه در مقایسه با میانگین D در نمونه اکسندر بالاتر و دارای تفاوت معنادار است. فراوانی پاسخ‌های D در مورد اشخاصی که به جنبه‌های عینی و آشکار موقعیت زیاد تأکید می‌کنند، اغلب بسیار است. البته باید توجه داشت که افزایش D شاید امری متداول باشد، زیرا به طور معمول دربرگیرنده پاسخ‌های متعارف است و در مقایسه با پاسخ‌های W به انرژی و یکپارچه کردن کمتر نیاز دارد. در تحقیق حاضر نمونه ایرانی در متغیر Dd با اختلاف زیادی بالاتر از نمونه اکسندر بود. با وجود اینکه انتظار می‌رود تعداد پاسخ‌های Dd در مورد کودکان و نوجوانان بالا باشد (اکسندر، ۱۹۷۴)، در تبیین افزایش این نوع پاسخ در نمونه ایرانی می‌توان دلایلی را برشمرد: در راستای یافته‌های قبلی (یانگ، ۱۹۸۱؛ هافستد، ۱۹۸۱؛ تریاندیس، ۲۰۰۱) از آنجایی که جهت‌گیری اجتماعی افراد در فرهنگ‌های آسیایی و خاورمیانه بیشتر است، افراد برای تأیید گروهی ارزش قائل هستند و رفتار فرد با توجه به

مقایسه نتایج مربوط به آزمون رورشاخ در نمونه ایرانی با نمونه اکسندر این نکته را آشکار می‌کند که تعداد پاسخ‌های (R) نمونه ایرانی نسبت به نمونه اکسندر بیشتر است. عقیده بر این است که روش‌های مختلف اجرا، تعداد پاسخ‌ها را تا اندازه معینی تحت تأثیر قرار می‌دهد (گراث‌مارنات، ۱۳۸۶/۲۰۰۳). در این تحقیق سعی شده است در نحوه نشستن و اجرای آزمون کاملاً از روش اکسندر پیروی شود. بنابراین شاید نتوان به تفاوت روش اجرا به عنوان دلیل تفاوت نمره نمونه‌ها استناد کرد. از سوی دیگر، نوع رابطه بین آزماینده و آزمودنی، ناآشنایی آزمودنی‌ها با موقعیت اجرای آزمون و مهم‌تر از همه بیگانگی آزماینده با فرهنگ گروهی که مورد آزمون قرار می‌گیرند، نیز می‌تواند بر تعداد پاسخ‌ها اثر گذاشته و آنها را کاهش دهد. زیرا در چنین شرایطی افراد گرایش دارند پاسخ‌هایی را به مرجع قدرت (آزماینده) ارائه دهند که از نظر اجتماعی قابل قبول باشد. بنابراین تعداد پاسخ‌ها به این دلیل که آزمودنی‌ها نمی‌توانند در فضای اجرای آزمون درگیر شوند، کاهش می‌یابند (داروگلو، ۲۰۰۵). اما در اینجا ما با کاهش پاسخ مواجه نیستیم بلکه با افزایش پاسخ روبه‌رو هستیم. این امر می‌تواند بیانگر تلاش محقق برای اجرای مطلوب آزمون رورشاخ باشد. هرچند ممکن است این مدعا نیز وجود داشته باشد که شاید نوع اجرای محقق، پاسخ‌های بیشتری را در آزمودنی‌ها برانگیخته است. بدین خاطر نمی‌توان این فرض را کنار نهاد. این احتمال وجود دارد که نوع اجرای محقق و نوع

او را به جهان منعکس می‌سازد. در هر حال باید توجه داشت که اگر در نمره‌گذاری  $W$  اطلس خاصی وجود ندارد اما نمره‌گذاری  $D$  و  $Dd$  مشمول نوعی معیارهای خاص در جمعیت مورد واریسی اکسرن بوده است. به این دلیل، ما در پاسخ‌های  $D$  شاهد تکیه به اطلس نمره‌گذاری و فقط هم همین اطلس هستیم اما در  $Dd$  هم به اطلس متکی هستیم و هم پاسخ‌هایی را که در هیچ کجا جایی ندارند به  $Dd$  مرتبط می‌کنیم.

تعیین‌کننده‌ها معمولاً به عنوان محور اصلی داده‌های رورشاخ محسوب می‌شوند، زیرا فعالیت‌های روانی را که آزمودنی به هنگام ساختن پاسخ به کار می‌برد، نشان می‌دهند. با نگاهی به نتایج نمونه ایرانی و نمونه اکسرن در این شاخص می‌توان به نتایج زیر اشاره کرد.

تعداد پاسخ‌های  $F$  بیانگر آن است که آزمودنی تا چه اندازه می‌تواند عواطف را از موقعیت جدا سازد. وجود شکل در پاسخ نمایانگر درجه معینی از احترام به معیارهای محیطی و شاخصی از مهار عاطفی و به تعویق انداختن عواطف محسوب می‌شود (اکسرن، ۱۹۹۳). در آزمون رورشاخ تفاوت‌های فرهنگی در سطح پاسخ‌های رایج و شکل یافت شده‌اند (ایل، ۱۹۷۳؛ وینر، ۱۹۹۸ نقل از دلاوری ۱۳۸۸). با توجه به آنکه میانگین پاسخ‌های  $F$  در نمونه ایرانی نسبت به نمونه اکسرن با اختلاف زیادی بالاتر است می‌توان نتیجه گرفت که نمونه ایرانی برای مهار یا به تعویق انداختن عمدی عواطف‌شان از توانایی بالایی برخوردار هستند، یا شاید در شرایط فرهنگی ایران، عدم سهولت در ابراز عواطف و بازداری آنها می‌تواند جنبه‌ای از الگوی رفتاری ما باشد. افزایش پاسخ‌های  $F$  ممکن است بدان سبب باشد که افراد محتاطانه می‌کوشند پاسخ‌های جامعه‌پسند بدهند که ناگزیر عواطف‌شان را محدود می‌کنند. در رابطه با نتایج به دست آمده می‌توان این مسئله را مطرح کرد که با توجه به انتظاراتی که فرهنگ و جامعه ایرانی از افراد دارد، کودکان ایرانی در ابراز هیجان‌ها و عواطف خود محتاط هستند و سعی دارند آنها را به صورت مهارشده و از نظر اجتماعی قابل قبول نشان دهند.

میانگین پاسخ‌های  $M$  در نمونه ایرانی پایین‌تر از نمونه اکسرن است. پاسخ‌های  $M$  در نظام اکسرن به تخیل درونی در

معیارهای گروه محک می‌خورد. در نتیجه، خودپنداشت و حرمت‌خود بستگی به این معنا دارد که دیگران درباره وی چگونه قضاوت می‌کنند، افراد سعی می‌کنند در موقعیت‌های مختلف به خصوص در موقعیت‌های مبهم دقت و نظارت بیشتری بر رفتارهایشان داشته باشند. بنابراین کودکان ایرانی نسبت به نمونه اکسرن به شیوه‌ای جزئی‌نگرتر با جهان پیرامون خود روبه‌رو می‌شوند تا با تمرکز بر جزئیات موقعیت مهار بیشتری بر ادراک‌هایشان اعمال کنند، دوم آنکه، افزون بر پاسخ‌های  $Dd$  که در اطلس ذکر شده‌اند نظام اکسرن این فرصت را فراهم می‌آورد که دیگر پاسخ‌هایی که در چهارچوب  $D$  و  $Dd$  نمی‌گنجد به دلیل غیرمعارف بودن مشمول نمره‌گذاری به صورت  $Dd$  شوند.

موضوع قابل توجه در رابطه با محل ادراک میزان پاسخ‌های  $W$  نمونه ایرانی است که با اختلاف زیادی از نمونه اکسرن پایین‌تر بود. پژوهش‌ها نشان می‌دهند پاسخ‌های  $W$ ، فعالیت عقلی را منعکس می‌کنند و بیانگر کل‌نگری و انسجام پاسخ‌ها هستند (اکسرن، ۱۹۹۳؛ وینر، ۱۹۹۵، فریدمن<sup>۲</sup>، ۱۹۵۲ نقل از گراث‌مارنات، ۱۳۸۶/۲۰۰۳). برخی از پژوهشگران به این مسئله اشاره دارند که تعداد کم پاسخ‌های  $W$  می‌تواند بیانگر افسردگی (بک<sup>۳</sup>، ۱۹۶۰، راپاپورت<sup>۴</sup>، گیل<sup>۵</sup> و شافر<sup>۶</sup>، ۱۹۶۸ نقل از گراث‌مارنات ۱۳۸۶/۲۰۰۳) یا اضطراب (ایچلر، ۱۹۵۱) باشد. با این وجود، این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌توان نتایج نمونه ایرانی را بر این اساس تبیین کرد؟ البته باید توجه کرد که به سادگی نمی‌توان وجود نوسان‌وار پاسخ را در یک متغیر به یک الگوی آسیب‌شناختی نسبت داد.

پایین بودن سطح  $W$  و بالاتر بودن میزان  $Dd$  این پرسش را عنوان می‌کند که آیا سطح تحول عقلی دو نمونه ایرانی و اکسرن (۲۰۰۳) تفاوت دارد؟ البته باید توجه داشت که نمونه حاضر فقط از شهر تهران انتخاب شده است و کودکان سایر شهرها را دربر نمی‌گیرد. این پرسش نیز مطرح است که آیا نگاه جزئی‌نگرتر بخشی از الگوی فرهنگی ما محسوب می‌شود یا یک تصادف است؟ تنها با انجام پژوهش بیشتر می‌توان به این پرسش پاسخ داد. به‌طور کلی ناحیه‌هایی از لکه‌های جوهر که آزمودنی برای پاسخ‌هایش انتخاب می‌کند سبک کلی روی‌آورد

1. Weiner, I. B.  
2. Friedman, H.

3. Beck, S. J.  
4. Rapaport, C.

5. Gill, M.  
6. Schafer, J.

کودکان ۵ تا ۱۰ ساله نسبتاً زیاد است، اما با رسیدن به دوره نوجوانی که سبک کارکرد افراد کمتر خودمدارانه<sup>۷</sup> است، تعداد این گونه پاسخها نیز کاهش می‌یابد (اکسرن، ۲۰۰۳) اما در نمونه ایرانی میزان پاسخهای جفت و به خصوص پاسخهای انعکاس نسبت به نمونه اکسرن بسیار پایین‌تر است.

طبقات مختلف محتوایی اطلاعاتی در مورد نیازها، علائق، اشتغالات ذهنی و تعامل‌های اجتماعی را بیان می‌کند. با وجود اینکه پاسخهای انسان و اجزای انسان در پروتکل‌های کودکان به گونه معناداری کمتر از بزرگسالان است اما نسبت پاسخ انسان H در نمونه ایرانی به نمونه اکسرن پایین و میزان پاسخ اجزای انسان Hd و اجزای حیوان Ad بالاتر بود، این نوع جزئی‌نگری در پاسخهای Dd نیز مورد اشاره قرار گرفت. بیشتر بودن تعداد پاسخهای حیوان در نمونه ایرانی در مقایسه با نمونه اکسرن می‌تواند نشانگر روی‌آورد قالبی و قابل پیش‌بینی در کودکان ایرانی نسبت به جهان باشد، زیرا محتوای حیوانی به آسان‌ترین روش ادراک می‌شوند، درحالی‌که تعداد کم محتوا در نمونه اکسرن می‌تواند بیانگر تمایل بر فردگرایی در نمونه اکسرن باشد.

نکته قابل توجه در خصوص طبقه محتوا این است که برخلاف نمونه ایرانی، کودکان نمونه اکسرن هیچ‌گونه پاسخی در طبقه‌های Hx، Ay و Ge نداشتند. در متغیر Id میانگین نمونه ایرانی بالاتر از نمونه اکسرن بود که این مسئله را می‌توان بر اساس افزایش در Dd توجیه کرد، زیرا بسیاری از مواردی که ممکن است آزمودنی‌های ایرانی مطرح کنند، در طبقه‌بندی محتوایی نمونه اکسرن مورد توجه قرار نگرفته است. البته باید توجه داشت که محتوای پاسخ می‌تواند بار فرهنگی اجتماعی بیشتری را دربرگیرد. به همین دلیل شاید Id بیشتر گسترش یافته باشد زیرا به محتوایی برمی‌خوریم که در نظام اکسرن پیش‌بینی نشده است و امکان برون‌یابی آنها نیز وجود ندارد.

متغیر پاسخهای رایج توسط رورشاخ و اکسرن به عنوان توانایی ادراک سنتی تعریف می‌شوند. این متغیر بیانگر این نکته است که تا چه حد افراد، محیط اطراف خود را مانند دیگران ادراک می‌کنند (اکسرن، ۲۰۰۳). مطالعات نشان داده‌اند افراد فرهنگ‌های مختلف پاسخهای رایج خاص فرهنگ خود را بیان می‌کنند (ابل، ۱۹۷۳). میانگین تعداد پاسخهای رایج تولیدشده

ارتباط با جهان خارج مرتبط است (اکسرن، ۲۰۰۳). همچنین حرکت انسانی فعال Ma نسبت به حرکت انسانی نافع‌ال Mp بیشتر است. میزان پایین پاسخهای حرکت حیوانی FM در مقایسه با نمونه اکسرن در راستای نتایج حاصل از تعداد پاسخهای F می‌تواند نشان‌دهنده بازداری هیجان‌ها در نمونه ایرانی باشد.

شیوه برخورد با تعیین‌کننده رنگ، منعکس‌کننده سبکی است که آزمودنی‌ها با هیجان‌های خود برخورد می‌کنند (گراث‌مارنات، ۱۳۸۶/۲۰۰۳). در نمونه ایرانی تعداد پاسخهای FC نسبت به دو شاخص رنگ دیگر بالاتر است. درحالی‌که در نمونه اکسرن تعداد CF در مقایسه با دو شاخص دیگر بالاتر است. نتایج پژوهش کاستاتینو و دیگران (۱۹۹۵) نشان می‌دهند در بین متغیرهای رورشاخ، پاسخهای رنگ نسبت به فرهنگ حساس هستند و در کشورهای دارای فرهنگ جمع‌گرا، افراد بیشتر تحت‌تأثیر ارزش‌ها و سنت‌های جامعه قرار می‌گیرند. مطالعات قبلی نیز نشان می‌دهند که عواملی همچون آموزه‌های مذهبی بر شکل‌گیری رفتار مؤثر است (تریاندیس، ۲۰۰۱)، درحالی‌که در فرهنگ‌های اروپایی و آمریکایی که فردگرایی غالب است توجه به احساسات و هیجان‌های فرد اهمیت بیشتری دارد و انتظار می‌رود تعداد پاسخها با اولویت رنگ افزایش یابد. اولویت شکل در پاسخهای رنگ نشان می‌دهد آزمودنی‌های ایرانی با توجه به شرایط فرهنگی و آموزه‌های ارزشی مبنی بر بازداری عواطف، تمایل دارند تا هیجان‌ها را بیشتر به شکل بازداری‌شده، مهارشده و سازمان‌یافته نشان دهند.

پاسخهای بافت نشان‌دهنده تجارب هیجانی دردناک همراه با نیاز به روابط بین‌فردی حمایت‌کننده است (بک، ۱۹۴۵، ۱۹۶۸، کلاپفر<sup>۱</sup>، آینس‌ورث<sup>۲</sup>، کلاپفر و هولت<sup>۳</sup>، ۱۹۵۶ نقل از گراث‌مارنات ۱۳۸۶/۲۰۰۳؛ اکسرن، ۲۰۰۳). هرچند اعتقاد بر این است که پاسخی که در آنها بافت غالب است در سرتاسر کودکی افزایش یافته، در سن ۱۵ سالگی به حداکثر رسیده و در چند سال بعد به تدریج کاهش می‌یابد (امس<sup>۴</sup>، متراوکس<sup>۵</sup> و واکر<sup>۶</sup>، ۱۹۷۱ نقل از گراث‌مارنات ۱۳۸۶/۲۰۰۳)، چنین یافته‌ای در کودکان نمونه ایرانی مشاهده نشد و نیازمند پژوهش‌های مقایسه‌ای بیشتر با توجه به سن است.

اکسرن معتقد است که تعداد پاسخهای انعکاس و زوج‌ها در

1. Klopfer, W. G.

2. Ainsworth, M. D.

3. Holt, R. R.

4. Ames, L. B.

5. Metraux, R. W.

6. Walker, R. N.

7. egocentric



۲۰۰۷). پژوهش‌ها نشان می‌دهند طرحواره‌های شناختی به عنوان دیدهای فرهنگی در ادراک ما از جهان نقش دارند. در بسیاری از روش‌ها، نتایج آزمون یک فرد، طرحواره شناختی او را بیان می‌کند (کولار، ۱۹۹۸).

افزون بر موارد ذکر شده توجه به این مسئله ضروری است که اکسندر در نظام نمره‌گذاری نظام جامع برای کودکان و بزرگسالان معیار یکسانی را برای ارزیابی، به ویژه سنجش پاسخ‌های رایج ابداع کرده است، درحالی‌که تفاوت دنیای کودکان و بزرگسالان امری بدیهی به نظر می‌رسد. همچنین باید بدین نکته توجه کرد که به راستی تهیه اطلس D یا Dd برای نمونه بزرگسال و کودک نمی‌تواند معیارهای مناسبی جهت نمره‌گذاری باشد.

بنابراین کاربرد هنجارهای غربی برای پروتکل آزمودنی‌هایی با فرهنگ متفاوت ممکن است موجب شود که آنها در مقایسه با پروتکل‌های گروه هنجار شده، بهنجار به نظر نیایند. هنگامی که هنجارهای مربوط به یک فرهنگ ایجاد شوند و افراد در بافت فرهنگی خاص خود مورد مطالعه قرار گیرند، می‌توان سهم واریانس را که به آسیب واقعی و تفاوت‌های فردی اختصاص می‌یابد، به درستی تعیین کرد. به عبارتی دیگر تفاوت نمره‌های آزمودنی‌ها از هنجارهای موجود نشان‌دهنده نیاز به تهیه هنجارهای متناسب با فرهنگ و جامعه ایرانی است.

به طور خلاصه در مقایسه نمونه کودکان ایرانی با نمونه اکسندر با گروه سنی مشابه تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای در متغیرهای آزمون رورشاخ مشاهده می‌شود. بنابراین می‌توان تفاوت‌های فرهنگی را یکی از عوامل مؤثر بر نتایج حاضر به شمار آورد.

پژوهش حاضر به بررسی متغیرهای رورشاخ در نمونه غیربالینی کودکان ۱۰ ساله شهر تهران پرداخته است. بنابراین تعمیم نتایج را به نمونه‌های بالینی و غیربالینی سایر گروه‌های سنی کودکان با محدودیت‌هایی مواجه می‌سازد، همچنین با توجه به نقش تفاوت‌های فرهنگی-اجتماعی بر نتایج آزمون رورشاخ، تعمیم نتایج به سایر کودکان ۱۰ ساله در شهرهای مختلف باید با احتیاط صورت گیرد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، بررسی‌هایی با نمونه گسترده‌تر در گروه‌های مختلف سنی و فرهنگی صورت گیرد تا زمینه مقایسه نتایج با یکدیگر به صورت تحولی با توجه به سن، جنس و تفاوت‌های فرهنگی-اجتماعی فراهم شود.

توسط جمعیت غیربیمار، هفت است. هنگامی که تعداد پاسخ‌های رایج کمتر از این تعداد است احتمالاً تعداد پاسخ‌های قراردادی و سستی کمتر است و پاسخ‌های فردی بیشتری ابراز می‌شوند، به طوری که ممکن است شخص به طور کلی مانند دیگران محرک‌ها را نبیند (گوری، ۱۹۹۹). از دیدگاه آسیب‌شناسی، هنگامی که تعداد پاسخ‌های رایج کمتر از حد انتظار است می‌توان برچسب‌هایی مانند سازگاری اجتماعی نامناسب یا مشکل در آزمون واقعیت را مطرح کرد. اما اکسندر (۲۰۰۳) اظهار می‌کند میانگین پایین پاسخ‌های رایج ضرورتاً به معنای آزمون واقعیت ضعیف نیست، بلکه به دلایلی تعداد پاسخ‌های رایج آزمودنی کمتر از حد انتظار است. هنگامی که یک آزمودنی از فرهنگی متفاوت با نظام جامع مقایسه می‌شود، ممکن است پاسخ‌های رایج کمتری را ارائه داده باشد؛ در حالی که احتمال دارد وی پاسخ‌های رایج متناسب با فرهنگ خود را بیان کرده باشد، هنجاری که تاکنون شناخته نشده است.

در این تحقیق میانگین پاسخ‌های رایج در نمونه ایرانی پایین‌تر از نمونه اکسندر بود. به نظر می‌رسد پاسخ‌های رایج در نظام جامع متناسب با یک جامعه و فرهنگ خاص طراحی شده‌اند و طراحی پاسخ‌های رایج با دشواری‌های بومی و فرهنگی همراه خواهد بود و در نتیجه تفسیر مرتبط با آن تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

به طور خلاصه در مقایسه نمونه کودکان ایرانی با نمونه اکسندر با گروه سنی مشابه تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای در متغیرهای گستره، تعیین‌کننده، محتوا و پاسخ‌های رایج مشاهده می‌شود. حال این سؤال مطرح می‌شود که «چرا هنگامی که در مطالعه، شیوه اجرا، نمره‌گذاری و نوع آزمودنی‌ها به لحاظ سنی و تحصیلی مشابه است، شاهد تفاوت‌های قابل توجه در نتایج هستیم؟» ساده‌ترین پاسخ این است که رورشاخ یک آزمون فرافکن است و در اینجا و در هر فرهنگی آدمی خود را فرا می‌افکند اما می‌توان از منظرهای دیگر نیز به این مسئله نگریست.

شواهد متعددی نشان می‌دهند که آزمون‌های فرافکنی مانند رورشاخ به اندازه آزمون‌های عینی نسبت به تأثیرهای فرهنگی حساس هستند (کاستانتینو و دیگران، ۱۹۹۵؛ ریتزلر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴، میر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲، دانا، ۱۹۹۸، وینر، ۱۹۹۸ نقل از برانت

## منابع

- انستاززی، آ. (۱۳۷۹). *روان‌آزمایی*. ترجمه م. ن. براهنی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران (تاریخ انتشار اثر اصلی، ۱۹۵۵).
- پرون، م. و پرون، ر. (۱۳۸۱). *روان‌شناسی بالینی*. ترجمه پ. دادستان و م. منصور. تهران: انتشارات بعثت (تاریخ انتشار اثر اصلی، ۲۰۰۲).
- پاشاشریفی، ح. (۱۳۸۴). *اصول روان‌سنجی و روان‌آزمایی*. تهران: انتشارات رشد.
- پیغمبری، آ. (۱۳۸۴). *مقایسه نیمرخ روانی آزمودنی‌های ایرانی و غیرایرانی بر اساس پاسخ به آزمون رورشاخ*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شاهد.
- حبی، م. ب. (۱۳۷۲). *بررسی شاخص‌های اختلال تفکر در بیماران مبتلا به اسکیزوفرنیا با رورشاخ بر اساس اکسندر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، انیستیتو روان‌پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- دلاوری، م. (۱۳۸۸). *بررسی نتایج نمونه غیربالینی ۹ ساله ایرانی در پاسخدهی به آزمون رورشاخ و مقایسه آن با نمونه‌های مشابه غیرایرانی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شاهد.
- رحمانی، ف. (۱۳۸۳). *اعتباریابی شاخص افسردگی و شاخص مقابله ناردا در آزمون رورشاخ*. فصلنامه *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۲، ۲۹-۱۴.
- رحمانی، ف. (۱۳۸۵). *رورشاخ و نارسایی پردازش خبر در بیماران افسرده*. فصلنامه *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۷، ۱۹۶-۱۸۵.
- رحمانی، ف. و صالحی، م. (۱۳۸۶). *کاربرد آزمون رورشاخ در تشخیص اختلال اضطراب تعمیم‌یافته*. فصلنامه *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۱۴، ۱۶۷-۱۵۵.
- شعیری، م. ر.، منصور، م.، دادستان، پ. و اژه‌ای، ج. (۱۳۷۹). *وارسی مقایسه‌ای نمره Z آزمون رورشاخ در آزمودنی‌های سطح عینی و انتزاعی*. *مجله روان‌شناسی*، ۳، ۱۳۰-۱۱۵.
- شعیری، م. ر. (۱۳۸۲). *مقایسه متغیرهای مربوط به گستره آزمون رورشاخ در آزمودنی‌های سطوح عینی و انتزاعی*. *مجله دانشور رفتار*، ۱، ۴۸-۴۱.
- گراث‌مارنات، گ. (۱۳۸۶). *راهنمای سنجش روانی*. ترجمه ح. پاشاشریفی و م. ر. نیکخو. تهران: انتشارات رشد (تاریخ انتشار اثر اصلی، ۲۰۰۳).
- لایون، ر. و گوداشتاين، ل. (۱۳۸۲). *ارزیابی شخصیت*. ترجمه س. نقشبندی. ح. شاهی، ع. قربانی و ا. ارجمند. تهران: نشر روان (تاریخ انتشار اثر اصلی، ۱۹۹۲).
- مختارزاده، ص. (۱۳۷۴). *بررسی اعتبار و پایایی رورشاخ در تشخیص ضایعات مغزی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌سنجی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- منصور، م. (۱۳۸۷). *مفهوم فرافکنی و آزمون رورشاخ*. در ر. مایلی و پ. ربرتو (۱۳۸۷)، *ساخت، پدیدآیی و تحول شخصیت*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران و سمت.
- یونسی، ج. (۱۳۷۰). *بررسی الگوهای ادراکی جانبازان و معلولین عادی در تست رورشاخ*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- Abel, T. M. (1973). *Psychological testing in cultural contexts*. New Haven, Connecticut: College and University Press.
- Berant, E. (2007). Rorschach comprehensive system data for a sample of 75 adult non-patient from Israel. *Journal of Personality Assessment*, 89 (1), 67-73.
- Costantino, G., Flanagan, R., & Malgady, R. (1995). The history of the Rorschach: Overcoming bias in multicultural projective assessment. *Rorschachiana: Yearbook of the International Rorschach Society*, 20, 148-171.
- Cuellar, I. (1998). Cross-cultural clinical psychological assessment of Hispanic-Americans. *Journal of Personality Assessment*, 70 (1), 71-86.
- Dana, R. (1998). Cultural identity assessment of culturally diverse groups. *Journal of Personality Assessment*, 70 (1), 1-16.
- Daroglou, S. (2005). Greek assessees (Rorschach CS). In R. Dana (Ed.), *Multicultural assessment: Principles, applications, and examples*. Mahwah, NJ: Erlbaum Associates.
- Eichler, R. M. (1951). Experimental stress and alleged Rorschach indices of anxiety. *Journal of Abnormal and Social Psychology*, 46, 169-177.

- the self: Implications for cognition, emotion and motivation. *Psychological Review*, 98, 224-253.
- Salcuni, S., Lis, A., Parolin, L., & Mazzeschi, C. (2007).** Rorschach comprehensive system data for two samples of non-patient children from Italy: 75 aged 5-7 years and 148 aged 8-11 years. *Journal of Personality Assessment*, 89 (1), 85- 90.
- Sanches R. K., Lottenberg, N., & Yazigi, L. (2012).** Rorschach comprehensive system data from a sample of 211 nonpatient children in Brazil. *Journal of Personality Assessment*, 94 (3), 267-275.
- Silva, D., & Dias, A. (2007).** Rorschach comprehensive system data for sample of 357 Portuguese children at five ages. *Journal of Personality Assessment*, 89 (1), 131-141.
- Tibon, Sh., Rothschild, L., & Appel, L. (2012).** Rorschach comprehensive system(cs) reference data for Israeli adolescents. *Journal of Personality Assessment*, 94 (3), 276-286.
- Triandis, C. H. (2001).** Individualism-collectivism and personality. *Journal of Personality*, 69, 907-924.
- Valentino, M., Shaffer, T., Erdberg, Ph., & Figueroa, M. (2007).** Rorschach comprehensive system data for sample of 42 non-patient Mexican-American children from United State. *Journal of Personality Assessment*, 89 (1), 183-187.
- Weiner, I. B. (2001).** Advancing the science of psychological assessment: The Rorschach inkblot method as exemplar. *Psychological Assessment*, 13, 423-432.
- Yang, K. (1981).** Social orientation and individual modernity among Chinese students in Taiwan. *Journal of Social Psychology*, 113 (2), 159-170.
- Exner, J. E. (1974).** *The rorschach: A comprehensive system (vol.1)*. New York: Wiley.
- Exner, J. E. (1993).** *The Rorschach: A Comprehensive System (vol.1): Basic Foundations* (3rd ed). New York: Wiley.
- Exner, J. E. (1995).** *The Rorschach: A Comprehensive System (vol.3). Assessing children and adolescents*. New York: Wiley.
- Exner, J. E. (2003).** *The Rorschach: A comprehensive system (vol.1). Basic foundations* (4th ed.). New York: wiley.
- Gowri, A. (1999).** *Cultural difference or deficit? Rorschach responses of Asian-Indians and European-Americans*. Phd Dissertation, California School of Professional Psychology.
- Hamel, M., & Shaffer, T. (2007).** Rorschach comprehensive system data for 100 non-patients children from United States in two age groups. *Journal of Personality Assessment*, 89 (1), 174-182.
- Hansen, k. G. (2007).** Rorschach comprehensive system data for a sample of 75 danish 9-year- old children: A pilot study. *Journal of Personality Assessment*, 89 (1), 52- 59.
- Hofstede, G. (1981).** *Culture's consequences international differences in work eelated values*. London: Sage.
- Matsumoto, M., Suzuki, N., Shirai, H., & Nakabayashi, M. (2007).** Rorschach comprehensive system data for sample of 190 Japanese non-patient children at five ages. *Journal of Personality Assessment*, 89 (1), 103-112.
- Maukus, H. R., & Kitayama, S. (1991).** Culture and